

دریافت: ۹۱/۱۰/۹

تایید: ۹۲/۲/۵

بررسی بیان مفاهیم مالکیت، همانندی، نوع و جنس در ترکیبات اضافی زبان

فارسی در مقایسه با روش‌های بیان آنها در زبان روسی

علیرضا ولی‌پور^۱

رضوان حسن‌زاده^۲

چکیده

میان مضاف و مضاف‌الیه در زبان فارسی، روابط گوناگون و متفاوتی از قبیل مالکیت، همانندی، بیان نوع و جنس، اختصاص برقرار می‌شود. ترکیبات اضافی زبان فارسی با این مفاهیم، دارای معادل‌های مختلفی در زبان روسی می‌باشند که مهم‌ترین و پربسامدترین آنها متمم اسم هماهنگ و ناهماهنگ (согласованное и (определение несогласованное) در زبان روسی می‌باشد. در پژوهش حاضر به بررسی ماهیت و انواع ترکیبات اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) زبان فارسی و بررسی بیان مفاهیم مالکیت، همانندی، نوع و جنس در ترکیبات اضافی زبان فارسی در مقایسه با روش‌های بیان آنها در زبان روسی پرداخته می‌شود و به کمک مثال‌های متعدد، روش‌های بیان این نوع روابط نحوی در زبان روسی بصورت تطبیقی مشخص می‌شود.

کلید واژه‌ها: ترکیبات اضافی، نقش نمای اضافه، مضاف، مضاف‌الیه، متمم اسمی، حالت دستوری.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

پیام‌نگار: alreva@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران.

پیام‌نگار: rhassanzadeh@ut.ac.ir

مقدمه

تعریف کلی که در مورد مضاف و مضاف‌الیه از کتاب‌های مختلف دستور زبان فارسی استخراج می‌شود، عموماً بدین صورت است که اگر دو اسم مجاور یکدیگر باشند و آخر اولین اسم (اگر حرف اضافه نباشد) کسره‌ای وجود داشته باشد حالت اضافه (مضاف مضاف‌الیه) ایجاد می‌گردد (شریعت ۳۶۱). معمولاً در حالت اضافی، کلمه یا گروهی از کلمات با کسره اضافه به دنبال اسم دیگری قرار می‌گیرد و توضیحی به مفهوم آن اضافه می‌کند مانند «کتاب معلم». در زبان فارسی به واژه «کتاب» مضاف و به کلمه «معلم» مضاف‌الیه می‌گویند.

برخی از زبان‌شناسان و دستورنویسان زبان فارسی همچون «دکتر انوری و احمدی گیوی» نیز همچون زبان‌شناسان روسی، نقش‌های اضافه را در حکم حرف اضافه و متمم‌ساز به حساب آورده‌اند و بحث ترکیبات اضافی را در مقوله متمم‌های اسمی مورد بررسی قرار می‌دهند؛ بدین شرح که هرگاه مسند یا مسندالیه، مضاف یا موصوف واقع شوند، مضاف‌الیه یا صفت «متمم» نامیده می‌شوند به عنوان مثال: مرد دانشمند، استاد دانشگاه (پنج استاد ۲۲۸).

کسره نقش‌نمای اضافه میان مضاف و مضاف‌الیه، روابط معنایی گوناگون و متفاوتی از قبیل مالکیت، همانندی، بیان نوع و جنس، اختصاص و غیره برقرار می‌کند. در این مقاله سعی بر آن است که به بررسی بیان مفاهیم مالکیت، همانندی، نوع و جنس در ترکیبات اضافی زبان فارسی در مقایسه با روش‌های بیان آنها در زبان روسی پرداخته شود و به کمک مثال‌های متعدد، روش‌های بیان این نوع روابط نحوی در زبان روسی بصورت تطبیقی مشخص شود.

بحث و بررسی

زبان‌های روسی و فارسی که به لحاظ رده‌شناختی به یک خانواده زبانی (شاخه زبان‌های هند و اروپایی) تعلق دارند، دارای یک سری مشترکات در ساختار صرفی و نحوی‌اند. موضوع ترکیبات اضافی هم در زبان فارسی و هم در زبان روسی (определение) مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است.

دستورنویسی در زبان فارسی پیشینه زیادی ندارد و دستوره‌های نوشته شده در زبان فارسی غالباً جامع و کامل نبوده و بسیاری از موضوعات مهم دستوری مورد تجزیه و تحلیل کامل قرارنگرفته‌اند. زبان‌شناسان نامی زبان فارسی تاکنون تعاریف متعدد و گوناگونی پیرامون ترکیبات اضافی «مضاف مضاف‌الیه» از زبان فارسی ارائه داده‌اند که به سبب تفاوت در رویکرد و نگاه زبان‌شناختی آنها این تعاریف نیز متفاوت است. برخی با اتکا به دیدگاه‌ها و آموزه‌های دستور سنتی بیشتر به «صورت» (فرم) ساختارهای نحوی توجه بیشتر دارند و برخی نیز با رویکردی متفاوت، از دید «معنا» به این مقوله دستوری می‌پردازند.

بحث حالت اضافه در زبان فارسی (مضاف و مضاف‌الیه) در مقوله گروه اسمی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. اما باید دید که منظور از حالت اضافه و ماهیت آن چیست؟ سلطانی درباره مضاف مضاف‌الیه چنین می‌نویسد: ترکیب اسم - اسم مضاف و مضاف‌الیه است. (سلطانی ۱۱۱) از دیدگاه *ناتل خانلری* متمم اسم (یا مضاف‌الیه) اسم یا ضمیری است که به اسم دیگری می‌پیوندد تا معنی آن را تکمیل کند. اسمی که مقصود اصلی گوینده بوده و این کلمه برای توضیح و تکمیل معنی آن آمده است «مضاف» خوانده می‌شود [پرویز ناتل خانلری ۸۷].

از نظر برخی دیگر از زبان‌شناسان، متمم اسم، گروه اسمی یا اسمی است که به وسیله حرف اضافه، چیزی بر معنای اسم می‌افزاید. که از نظر آنها متمم اسم بر دو قسم است: یکی مضاف‌الیه و دیگر شبه مضاف‌الیه؛ که «مضاف‌الیه» اسمی است که پس از حرف اضافه کسره بیاید، مانند: کتاب تاریخ؛ و «شبه مضاف» اسمی است که به وسیله حرف اضافه غیر از کسره به اسم هسته خود مربوط شود، مانند: کار در مدرسه، کوشش برای صلح [پنج استاد ۲۲۸]. در بسیاری از کتابهای دستور زبان فارسی برای جزء دوم ترکیباتی چون کمک به زلزله زدگان، مشورت با دوست، مبارزه با فساد و ... نقش دستوری متفاوت با جزء دوم در ترکیباتی چون کتاب علی، کلاس درس، در اتاق، انگشتر طلا و ... قائل شده‌اند. برای گروه اول نقش دستوری «متمم اسم» و برای گروه دوم «مضاف‌الیه» تعریف شده است. اما به نظر می‌رسد که جزء دوم در هر دو گروه از مثال‌های فوق‌الذکر نقش دستوری واحد و یکسانی را ایفا می‌کنند و آن هم «افزودن چیزی به معنای کلمه دیگر و تمام کردن

معنای کلمه دیگر» است. حال این نقش در گروه اول با همراهی حروف اضافه بیان می‌شود و در گروه دوم همین نقش با عدم وجود حروف اضافه بیان می‌شود:

کمک به زلزله زدگان = مفهوم تخصیصی (یعنی کمک برای زلزله زدگان است) / کمک خاص زلزله زدگان است): نقش متمم اسم؛

کلاس درس = مفهوم تخصیصی (یعنی کلاس مخصوص درس است): نقش متمم اسم.

به نظر نگارنده مقاله، اصطلاح «متمم» را می‌توان در دو زبان فارسی و روسی با تعریفی یکسان، بعنوان کلمه ای که چیزی را به معنای کلمه دیگر می‌افزاید و به عبارتی، معنای آن را تمام می‌کند، بکار برد و بر این اساس، آنچه را که در دستور سنتی زبان فارسی «مضاف‌الیه» می‌نامند، می‌توان به عنوان «متمم اسم» در نظر گرفت.

در ترکیبهای اضافی زبان فارسی کنونی (باستثنای محدودی) معمولاً جزء اول ترکیب «اسم» بوده و همان اسم است که عنصر عمده و اساسی ترکیب (هسته) را تشکیل می‌دهد. جزء دوم ترکیب اضافی معمولاً عنصر درجه دوم (وابسته) و عنصر تعیین کننده جزء نخست می‌باشد. [مبانی علمی دستور زبان فارسی، پروفیسور احمد شفائی، ۱۳۶۳: ۱۵۰] جزء دوم ترکیب اضافی (مضاف‌الیه) در حقیقت متمم جزء اول (مضاف) است و قدری آن را واضح‌تر می‌کند و از نظر معنی مقصود از اضافه، غالباً مضاف است جز در پاره‌ای ترکیبات که تشبیهی - استعاری هستند که در آنها مضاف‌الیه مقصود است: پشت کمان، قد سرو و ...

معادل متمم اسم زبان فارسی در زبان روسی «определение» نام دارد که می‌تواند به صورت وابسته هماهنگ با اسم (دانشگاه تهران Тегеранский университет) و به صورت وابسته ناهماهنگ (суп с рисом سوپ برنج) در جمله به کار رود.

معمولاً معادل وابسته اضافی زبان فارسی، حالت‌های صرفی مختلف زبان روسی (با حرف اضافه و یا بدون آن) یا به عبارتی несогласованное определение، گاهی صفت و موصوف согласованное определение و گاهی نیز بدل приложение می‌باشد، مثال: книга сестры، городской улицы، خیابان‌های شهر، و

Исламская Республика Иран جمهوری اسلامی ایران.

از آنجایی که زبان فارسی به لحاظ رده‌شناختی به دسته زبانهای تحلیلی و پیوندی تعلق دارد، روابط نحوی حاکم بر گروه واژه‌های آن، بر خلاف زبان روسی عموماً به فرم کلام بستگی ندارد، بلکه عمدتاً توسط کسره بیان می‌شوند، به عنوان مثال در ترکیب خیابان‌های شهر городские улицы، کسره اضافه، دو کلمه «خیابان‌ها» و «شهر» را از لحاظ نحوی به یکدیگر ارتباط داده و معادل آن در زبان روسی همان مطابقت دستوری، یعنی هماهنگی پایانه صرفی دو واژه از لحاظ شمار، جنس و حالت صرفی است городские улицы از طرف دیگر، کسره اضافه در ترکیب «کتابِ خواهر» книга сестры دو واژه «کتاب» و «خواهر» را از لحاظ نحوی به یکدیگر ارتباط داده است؛ معادل آن در زبان روسی پایانه صرفی **-ы** در واژه сестры است.

بطور کلی متمم اسم ناهماهنگ در زبان روسی به کمک ابزارهای زیر بیان می‌شود:

[<http://rusgram.narod.ru/1437-1454.html>]

۱. اسم یا ضمیر در حالت‌های غیرفاعلی در ترکیب با حرف اضافه یا بدون آن:

Полёт лётчика; блузка в горошек; дама в шляпе; юбка складками; мебель из берёзы; аллея перед домом; баночка из-под крема

۲. مصدر:

Жажда познать; стремление увидеть.

۳. قید:

Поворот налево; глаза навывкате.

۴. صفت تفضیلی:

Деревья поменьше; арбузы поспелее.

۵. ضمایر ملك *его, ее, их* :

Её брат; их забота.

۶. گروه واژه‌هایی با هسته اسمی یکپارچه: [Диброва, 2001, стр. 272]

Девушка с голубыми глазами; девушка высокого роста; человек большого ума.

اما در زبان فارسی، همانگونه که در بالا نیز بدان اشاره شد، ابزار نحوی ترکیب دهنده دو اسم در ترکیبات اضافی «کسره اضافه» است: «کتابِ معلم». نقش‌نمای اضافه فارسی که بعضاً بدان تنها نقش نمای اضافه گفته می‌شود، واژه‌بستی در زبان فارسی است

که برای نشان دادن یک ترکیب اضافی یا ترکیب وصفی از آن استفاده می‌شود. این نقش‌نما نقش واژه پیش از خود را تعیین می‌کند، یعنی اینکه بودن آن پس از یک واژه به معنای این است که آن واژه نقش مضاف‌الیه و یا موصوف دارد. به عنوان مثال در ترکیب اضافی «کتابِ علی»، کسره بعد از حرف آخر واژه «کتاب» نقش نمای اضافه‌است. و این دو اسم بوسیلهٔ این کسره با هم رابطهٔ نحوی برقرار می‌کنند که معنای تعلق «کتاب» را به «علی» بیان می‌کند.

حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا رابطهٔ نحوی که نقش نمای اضافه میان دو اسم ایجاد می‌کند در همهٔ موارد بیان‌کنندهٔ تملک و تعلق چیزی به کسی است یا خیر؟ به عبارت دیگر نقش نمای اضافه در زبان فارسی آیا قادر است که روابط نحوی-معنایی را که متمم اسم *определение* در زبان روسی بیان می‌کند را میان دو اسم برقرار کند؟ برای جواب دادن به این سوال به مثال‌های بیشتری رجوع می‌کنیم. مثال‌های «کلاسِ درس»، «روزنامهٔ همشهری»، «انگشترِ طلا» و «لبِ لعل» را در نظر می‌گیریم. همانگونه که مشهود است هر چهار مثال فوق‌الذکر به لحاظ ساختاری کاملاً شبیه هم بوده و از یک الگوی ساختار نحوی تبعیت می‌کنند؛ به عبارت دیگر هر چهار مثال از ترکیب دو اسم بوسیلهٔ کسرهٔ نقش نمای اضافه ساخته شده‌اند. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که نقش نمای اضافه چه روابط نحوی - معنایی میان اسامی این ترکیبات اضافی بیان می‌کند؟ در مثال «کلاسِ درس» همانگونه که از معنای این ترکیب برداشت می‌شود، نقش نمای کسره میان دو واژهٔ «کلاس» و «درس» مفهوم تخصیصی برقرار می‌کند؛ به عبارت دیگر در این نوع ترکیبات مضاف مخصوص مضاف‌الیه است (کلاس مخصوص درس است). در مثال «روزنامهٔ همشهری» نیز، مفهومی که بوسیله کسرهٔ نقش نمای اضافه بیان می‌شود نه ملکی است و نه تخصیصی؛ بلکه این مفهوم «توضیحی» می‌باشد؛ یعنی در این نوع ترکیبات مضاف اسم عام و مضاف‌الیه نام مضاف است و درباره مضاف توضیحی می‌دهد و نوع آن را مشخص می‌کند. در مثال «انگشترِ طلا» و «لبِ لعل» نیز کسرهٔ نقش نمای اضافی به ترتیب روابط معنایی «بیانی» (جنس) و «تشبیهی» را میان مضاف و مضاف‌الیه برقرار می‌سازد؛ به عبارت دیگر در ترکیب «انگشترِ طلا» کسرهٔ اضافه نشان‌دهندهٔ آن است که مضاف «انگشتر» ساخته شده از جنس مضاف‌الیه «طلا» است و در ترکیبات تشبیهی از نوع «لبِ لعل» مضاف به مضاف‌الیه تشبیه می‌شود: لب شبیه لعل است (وجه شبه سرخی آنهاست). پس نتیجه

می‌گیریم، مضاف‌الیه همیشه یک نوع مفهوم و معنی خاص به مضاف نمی‌افزاید، بلکه کسرهٔ نقش نمای اضافه میان مضاف و مضاف‌الیه، روابط معنایی گوناگون و متفاوتی از قبیل مالکیت، همانندی، بیان نوع و جنس، اختصاص و غیره برقرار می‌کند. از طرف دیگر:

(۱) این نقش‌نما دو صورت آوایی دارد:

صورت اول: وقتی که واژه اول به یک همخوان ختم شود. در این حالت صورت آوایی

آن به صورت (E _) است.

صورت دوم: وقتی که واژه اول به یک واکه ختم شود. در این حال صورت آوایی آن

به صورت (YE ی) است.

(۲) از طرفی نشانهٔ کسرهٔ اضافه در خط آورده نمی‌شود، مگر برای رفع ابهام در

کلماتی که دشواری ایجاد می‌کند: اسب سواری / اسب سواری.

(۳) همچنین کلماتی مانند رهرو، پرتو، جلو، در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی

«ی» می‌آید، مانند «پرتوی آفتاب» و گاهی بدون آن، مانند «پرتو آفتاب». آوردن یا نیاوردن صامت میانجی «ی» تابع تلفظ خواهد بود.

(۴) برای کلمات مختوم به «های غیرملفوظ»، در حالت مضاف، از علامت «ء» استفاده

می‌شود: خانهٔ من، نامهٔ او

(۵) «ی»، در کلمه‌های عربی مختوم به «ی» (که «آ» تلفظ می‌شود)، در اضافه به کلمهٔ

بعداز خود، به «الف» تبدیل می‌شود: عیسای مسیح، موسای کلیم، هوای نفس، کُبرای قیاس

[انوری و گیوی ۱۲۴].

اگر چه در ظاهر هم «صفت و موصوف» و هم «مضاف و مضاف‌الیه» حاصل ترکیب

دو کلمه هستند، اما معنای حاصل از این دو ترکیب متفاوت است؛ مقصود از صفت همان

موصوف است ولی مقصود از مضاف‌الیه همان مضاف نیست. مثلاً اگر بگوییم «آبِ گوارا»

مقصود از گوارا، آب است (خاصیتی از آب) ولی اگر بگوییم «آبِ قنات» می‌بینیم که قنات

چیزی غیر از آب است [انوری و گیوی ۱۲۸].

استفاده از ترکیبات اضافی در زبان فارسی بسیار رایج است. این ترکیبات هم با تلفظ

نشانه اضافه و هم با حذف آن در واژگان مردمی دیده می‌شود: [حدادعادل ۱۶]

(۱) با نشانهٔ اضافه: چرخ خیاطی، آرد برنج، تخم مرغ، کیسهٔ آبجوش و ...

۲) بدون نشانه اضافه: چرخ دنده، روغن نارگیل، چراغ خطر و ... به حذف کسره اضافه «فک اضافه» گویند و در این حالت مضاف و مضاف‌الیه در حکم یک کلمه مرکب است مانند: پدر زن یا صاحب دل که به صورت پدرزن و صاحب‌دل بدون کسره اضافه خوانده می‌شود که بدان اضافه موصول می‌گویند [شریعت ۳۶۱].

در زبان معیار فارسی، چندان علاقه‌ای به استفاده از الگوی شماره (۱) دیده نمی‌شود؛ زیرا ترکیبات اضافی، به اصطلاح، خوش صرف نیستند و در اضافه شدن به کلمه دیگر و یا هنگام جمع بسته شدن، تولید ابهام و اشکال می‌کنند. [حداد عادل ۱۶] به عنوان مثال اگر بخواهیم ترکیب اضافی «تخم مرغ» را در شمار جمع بیان کنیم باید طبق قواعد دستور زبان فارسی به آخر مضاف یکی از نشانه‌های جمع را بیفزاییم (مانند کتاب‌های علی)، اما در مورد این ترکیب این قاعده درست نیست و نمی‌توان گفت «تخم‌های مرغ» بلکه آنچه که در واژگان مردم دیده می‌شود ترکیب «تخم مرغ‌ها» است؛ یعنی این ترکیب اضافی در زبان فارسی دیگر بعنوان یک اسم مرکب مورد استفاده قرار می‌گیرد و دارای ویژگی‌های دستوری اقسام کلام «اسم» است.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت که اقسام اضافه از ترکیب مضاف و مضاف‌الیه همیشه مفهوم همانند و یکسان به دست نمی‌دهد. به عبارت دیگر، مضاف‌الیه همیشه یک نوع مفهوم و معنی خاص به مضاف نمی‌افزاید، بلکه میان مضاف و مضاف‌الیه، روابط گوناگون و متفاوتی از قبیل مالکیت، همانندی، بیان نوع و جنس، اختصاص برقرار می‌کند. از این رو اضافه از حیث مفهومیها و پیوندهای موجود میان مضاف و مضاف‌الیه اقسامی پیدا می‌کند. اقسام اضافه در زبان فارسی عبارتند از: ۱- اضافه ملکی؛ ۲- اضافه تخصیصی؛ ۳- اضافه توضیحی؛ ۴- اضافه بیانی یا جنسی؛ ۵- اضافه تشبیهی؛ ۶- اضافه استعاری؛ ۷- اضافه اقترانی؛ ۸- اضافه بنوت (فرزندی) ... [شریعت ۳۶۱].

در ذیل به بررسی بیان مفاهیم مالکیت، همانندی، نوع و جنس در ترکیبات اضافی زبان فارسی در مقایسه با روش‌های بیان آنها در زبان روسی می‌پردازیم.

۱) اضافه ملکی: در اضافه ملکی میان مضاف و مضاف‌الیه، رابطه مالک و ملک یعنی صاحب مال و مال، دارنده و دارائی برقرار است؛ بدین معنی که مضاف‌الیه مالک و دارنده مضاف است. مانند: باغ علی (باغی که صاحب آن علی است). کتاب لیلی (کتابی که صاحب آن لیلی است). ... [شریعت ۳۶۲].

همانگونه که مشهود است در زبان فارسی مفهوم و معنای مالکیت، از ترکیب دو اسم و نقش نمای اضافه کسره () بیان می‌شود. در زبان روسی این مفهوم عمدتاً به وسیلهٔ حالت اضافه‌ای اسامی (родительный падеж) بدون حرف اضافه بیان گردد، به عنوان مثال:

باغِ احمد	сад Ахмеда	رایانهٔ پسر	компьютер сына
کتابِ دانشجو	книга студента	اثرِ نویسنده	произведение писателя
خانهٔ پدر	дом отца	حکمِ رییس	указ начальника
کیفِ برادر	портфель брата	دوچرخهٔ دایی	велосипед дяди

همچنین مفهوم مالکیت در زبان روسی بوسیلهٔ حالت مفعول بواسطه یا حالت به ای (дательный падеж) بدون حرف اضافه نیز بیان می‌شود که تعداد این موارد بسیار محدود می‌باشد و می‌توان آنها را در جرگهٔ موارد استثنا محسوب کرد. در ذیل ۲ مثال از آنها را می‌آوریم:

مجسمهٔ لامانوسوف	памятник Ломоносову	مجسمهٔ پوشکین	памятник Пушкину
---------------------	------------------------	------------------	---------------------

مواردی هم وجود دارد که این معانی با حالت‌های اضافه و مفعول بواسطه با حروف اضافهٔ بترتیب от و по بیان می‌شوند:

نامه‌ی برادر	письмо от брата	دستور پختِ حسن زاده	рецепт от Хасан-заде
هدیه‌ی والدین	подарок от родителей	روش تدریسِ بلوشاپکوا	методика по Белошапковой

از طرف دیگر ، در زبان روسی به کمک ابزارهای زبانی و دستوری دیگر نیز مفهوم مالکیت و تعلق بیان می شوند. بدین ترتیب که از اسمی که در زبان فارسی در نقش مضاف‌الیه بکار رفته است، صفت ملکی (притяжательное прилагательное) ساخته می‌شود و به عنوان صفت پیشین قبل از اسم (مضاف) استفاده می‌شود، و به لحاظ جنس (род)، شمار (число) و حالت دستوری (падеж) با اسم بعد از خود مطابقت می‌کند. به عنوان مثال:

شکل فارسی	Родительный падеж	Притяжательное прилагательное
کتابِ احمد	книга Ахмеда	Ахмедина книга
ماشینِ مادر	машина мамы	мамина машина

۲) اضافه توضیحی (نوعی): در اضافه توضیحی مضاف اسم عام و مضاف‌الیه نام مضاف است و درباره مضاف توضیحی می‌دهد و نوع آن را مشخص می‌کند. مانند: دانشگاه تهران، کشور ایران، خلیج فارس، کوه سهند ... [شریعت ۳۶۳].

اینگونه ترکیبات اضافی در زبان فارسی بوسیله نقش نمای اضافه کسره رابطه نحوی برقرار کرده و مفهوم وصفی و توضیحی را بیان می‌کنند؛ در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیله ترکیبات همسان صفت و موصوف، در مواردی هم بوسیله ترکیبات بدل و گاهی هم در حالت صرفی اضافی (родительный падеж) بدون حرف اضافه بیان می‌شوند:

۱) بوسیله صفات نسبی (صفت و موصوف):

دانشگاه تهران	Тегеранский университет	دولت ایران	иранское правительство
خلیج فارس	Персидский залив	رئیس جمهور ایران	иранский президент

شبه جزیره سینا	Синайский полуостров	بازی فوتبال	футбольный матч
دریای خزر	Каспийское море	آب هلو	персиковый сок
جنگ ویتنام	Вьетнамская война	باغ آلبالو	Вишнёвый сад
قرارداد شانکهای	Шанхайский договор	ملت ایران	иранский народ

۲) بوسیله ترکیبات بدل:

بدل از اجزای فرعی جمله در زبان روسی است که عموماً به عنوان یکی از انواع متمم‌های اسم تعیین می‌شود. کلمه‌ای را که بدل با آن همراه می‌شود و آن را توضیح می‌دهد، «مبدل منه» می‌نامند. بدل به همراه اسم بکار می‌رود و قادر است خصوصیات و ویژگی‌های مختلف مربوط به آن اسم را، از قبیل نام، حرفه، شغل، ملیت و غیره بیان کند. بدل در زبان روسی توسط اسم بیان می‌شود و غالباً از لحاظ ویژگی دستوری «حالت» و گاهی نیز از لحاظ ویژگی دستوری «شمار» و «جنس» با «مبدل منه» مطابقت می‌کند [والگینا ۱۲۷].

برخی از ترکیبات اضافی توضیحی در زبان روسی با ساختارهای نحوی متمم اسم به کمک بدل بیان می‌شوند که برخی از این موارد با مبدل منه در حالت و شمار و جنس مطابقت نمی‌کنند: جمهوری اسلامی ایران Исламская республика ایران. مقایسه کنید в Исламской республике ایران در جمهوری اسلامی ایران.

جمهوری اسلامی ایران	Исламская республика «Иран»	حضرت محمد	Пророк Мухаммед
روزنامه همشهری	газета «Хамшахри»	ماه مه	май месяц

کتاب «جنگ و صلح»	журнал «Правда»	مجله پراودا	کتاب «Война и мир»
میدان انقلاب	река Москва (Москва-река)	رود مسکو	Площадь «Революция»

(۳) بوسیله حالت صرفی اضافی (родительный падеж) بدون حرف اضافه:

رئیس جمهور ایران	президент Ирана
مجسمه آزادی	статуя Свободы
ایستگاه پیروزی	станция «Победы»

(۳) اضافه بیانی یا جنسی: در اضافه بیانی یا جنسی مضاف‌الیه جنس مضاف را بیان می‌کند. مانند: لباس ابریشم (یعنی لباسی که جنس آن از ابریشم است). انگشتر طلا (یعنی انگشتری که جنس آن از طلاست). ... [شریعت ۳۶۳].

اینگونه ترکیبات اضافی در زبان فارسی بوسیله نقش نمای اضافه کسره رابطه نحوی برقرار کرده و مفهوم بیانی یا جنسی را بیان می‌کنند؛ در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیله ترکیبات همسان صفت و موصوف و گاهی هم در حالت صرفی اضافی (родительный падеж) با حرف اضافه из بیان می‌شوند:

(۱) بوسیله صفات نسبی (صفت و موصوف):

پارچه ابریشم	шёлковая ткань	کاسه مس	медная миска
انگشتر طلا	золотое кольцо	مدال نقره	серебряная медаль
کیف چرم	кожаная сумка	زنجیر برنز	бронзовая цепь
پارچه جین	джинсовая ткань	مربای آلبالو	вишнёвое варенье

۲) بوسیله حالت صرفی اضافی (родительный падеж) با حرف اضافه **из**:

پارچهٔ ابریشم	ткань из шёлка	کیفِ چرم	сумка из кожи
مربای آلبالو	варенье из вишни	کاسهٔ مس	миска из меди
مجسمه ی مرمر	статуя из мрамора	مدالِ نقره	медаль из серебра
کمپوتِ سیب	компот из яблок	زنجیرِ برنز	цепь из бронзы
انگشترِ طلا	кольцо из золота	مربای آلبالو	варенье из вишни

۴) **اضافه تشبیهی**: در اضافه تشبیهی میان مضاف و مضاف‌الیه رابطه شباهت و هماهنگی است یعنی در آن یا مضاف را به مضاف‌الیه تشبیه می‌کنند و یا مضاف‌الیه را به مضاف تشبیه می‌کنند. مانند: روی ماه و لب لعل (تشبیه مضاف به مضاف‌الیه) [همان ۳۶۴].
اینگونه ترکیبات اضافی در زبان فارسی بوسیلهٔ نقش نمای اضافه کسره رابطه نحوی برقرار کرده و مفهوم تشبیهی را بیان می‌کنند؛ در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیلهٔ ترکیبات و یا عبارات مقایسه ای (сравнительные обороты) بیان می‌شوند:

رویِ ماه	лицо подобно луне
لبِ لعل	губы словно рубин (рубиновые губы)
چشمِ آهو	глаза как у оленя

در بعضی از موارد اینگونه ترکیبات در زبان روسی بوسیله شکل حالت وسیله‌ای (творительный падеж) بیان می‌شوند:

Ходьба гоголем	راه رفتن مانند اردک
Жизнь бобылём	زندگی انسان تنها

این ترکیبات در زبان فارسی به شکل ترکیبات تشبیهی ترجمه نمی‌شوند. غرض از آوردن اینگونه ترکیبات در زبان روسی این است که در زبان روسی معانی تشبیهی می‌توانند با حالت وسیله‌ای (творительный падеж) نیز بیان شوند.

۵) **اضافه استعاری:** در اضافه استعاری مضاف در غیر معنی حقیقی خود به کار می‌رود. مانند: دست روزگار مرا از دامان مادر جدا کرد. در جمله بالا دست به معنی حوادث به کار رفته است. ... [همان ۳۶۵].

اینگونه ترکیبات اضافی در زبان فارسی بوسیله نقش نمای اضافه کسره رابطه نحوی برقرار کرده و مفهوم استعاری را بیان می‌کنند؛ در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیله حالت صرفی اضافی (родительный падеж) بدون حرف اضافه بیان می‌شوند:

دسته کتری	ручка чайника	پایه میز	ножка стола
دماغه قوری	носик чайника	دست روزگار	события жизни

۶) **اضافه اقترانی:** در اضافه اقترانی میان مضاف و مضاف‌الیه معنی و رابطه مقارنت و همراهی است. مثال: دست ادب بر سینه نهاد (دستی که همراه ادب بود پای ارادات در میان گذاشت. (پایی که همراه ارادت بود). دست رد بر سینه او زد. فرق میان اضافه استعاری و اضافه اقترانی: الف) در اضافه استعاری، اصل استعاره بر پایه تشبیه استوار است، چون استعاره در واقع تشبیهی است که یکی از طرفین آن ذکر نشود. اما در اضافه اقترانی تشبیهی وجود ندارد. ب) در اضافه اقترانی مضاف‌الیه اسم معنی است و مفهوم یکی از عواطف و حالات درونیانسانی را دارد. مانند: دیده احترام، دست ادب، نگاه خشم که در اضافه استعاری چنین نیست [همان ۳۶۶].

اینگونه ترکیبات اضافی در زبان فارسی بوسیله نقش نمای اضافه کسره رابطه نحوی برقرار کرده و مفهوم اضافه اقترانی را بیان می‌کنند؛ در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیله حالت صرفی اضافی (родительный падеж) بدون حرف اضافه بیان می‌شوند:

دستِ یاری	рука помощи	دستِ احترام	рука уважения
نگاهِ خشم	взор негодования	دیدۀ حسادت	глаза зависти

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی و مطالعه مقایسه‌ای بیان مفاهیم مالکیت، همانندی، نوع و جنس در ترکیبات اضافی زبان فارسی در مقایسه با روش‌های بیان آنها در زبان روسی به قرار ذیل است:

۱) اصطلاح «متمم» را می‌توان در دو زبان فارسی و روسی با تعریفی یکسان، به عنوان کلمه‌ای که چیزی را به معنای کلمه دیگر می‌افزاید و به عبارتی، معنای آن را تمام می‌کند، بکار برد و بر این اساس، آنچه را که در دستور سنتی زبان فارسی «مضاف الیه» می‌نامند، می‌توان به عنوان «متمم اسم» (هرچند که قبل از آن حرف اضافه نیز وجود ندارد) در نظر گرفت.

۲) میان مضاف و مضاف‌الیه در زبان فارسی، روابط گوناگون و متفاوتی از قبیل مالکیت، همانندی، بیان نوع و جنس، اختصاص برقرار می‌شود. ترکیبات اضافی زبان فارسی با این مفاهیم، دارای معادل‌های مختلفی در زبان روسی می‌باشند که مهم‌ترین و پرکاربردترین آنها متمم اسم هماهنگ و ناهماهنگ (согласованное и несогласованное определение) در زبان روسی می‌باشد: (دانشگاه تهران تهرانی دانشگاه) و به صورت وابسته ناهماهنگ (суп с рисом) (تهرانی دانشگاه) (برنج).

۳) متمم اسم ناهماهنگ در زبان روسی به کمک ابزارهای زیر بیان می‌شود: ۱. اسم یا ضمیر در حالت‌های غیر فاعلی در ترکیب با حرف اضافه یا بدون آن؛ ۲. مصدر؛ ۳. قید؛ ۴. صفت تفضیلی؛ ۵. ضمائر ملک *его, ее, их*؛ ۶. گروه واژه‌هایی با هسته اسمی یکپارچه. ۴) اقسام اضافه در زبان فارسی عبارتند از: ۱- اضافه ملکی؛ ۲- اضافه تخصیصی؛ ۳- اضافه توضیحی؛ ۴- اضافه بیانی یا جنسی؛ ۵- اضافه تشبیهی؛ ۶- اضافه استعاری؛ ۷- اضافه اقترانی؛ ۸- اضافه بنوت (فرزندی) ...

۵) در زبان فارسی مفاهیم مالکیت، نوع، جنس و همانندی، بترتیب بوسیلهٔ اضافه ملکی؛ اضافه توضیحی؛ اضافه بیانی یا جنسی؛ اضافه تشبیهی؛ اضافه استعاری و اضافه اقترانی بیان می‌شود. در زبان روسی این مفاهیم به کمک حالت‌های صرفی مختلف زبان روسی (با حرف اضافه و یا بدون آن) یا به عبارتی несогласованное определение (با حرف اضافه و موصوف согласованное определение و گاهی نیز بدل приложение می‌باشد، مثال: городские улицы, сестры, کتاب خواهر، خیابان‌های شهر، و Исламская Республика ایران جمهوری اسلامی ایران).

۶) در زبان فارسی مفهوم و معنای مالکیت، از ترکیب دو اسم و نقش نمای اضافه کسره () بیان می‌شود. در زبان روسی این مفهوم عمدتاً به وسیلهٔ حالت اضافه‌ای اسامی (родительный падеж) بدون حرف اضافه بیان می‌گردد. مواردی هم وجود دارد که این مفهوم به کمک حالت دستوری مفعول بواسطه یا حالت به ای (дательный падеж) بدون حرف اضافه و نیز با حالت‌های اضافه و مفعول بواسطه با حروف اضافهٔ بترتیب от و по بیان می‌شوند. تعداد این موارد بسیار محدود می‌باشد و میتوان آنها را در جرگهٔ موارد استثنا محسوب کرد. از طرف دیگر، در زبان روسی به کمک ابزارهای زبانی و دستوری دیگر نیز مفهوم مالکیت و تعلق بیان می‌شوند. بدین ترتیب که از اسمی که در زبان فارسی در نقش مضاف‌الیه بکار رفته است، صفت ملکی (притяжательное прилагательное) ساخته می‌شود و به عنوان صفت پیشین قبل از اسم (مضاف) استفاده می‌شود، و به لحاظ جنس (род)، شمار (число) و حالت دستوری (падеж) با اسم بعد از خود مطابقت می‌کند.

۷) در زبان فارسی نقش نمای اضافه کسره در ترکیبات اضافی توضیحی (نوعی) مفهوم وصفی و توضیحی را بیان می‌کند؛ در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیلهٔ ترکیبات همسان صفت و موصوف، در مواردی هم بوسیلهٔ ترکیبات بدل و گاهی هم در حالت صرفی اضافی (родительный падеж) بدون حرف اضافه بیان می‌شوند.

۸) در زبان فارسی نقش نمای اضافه کسره در ترکیبات اضافی جنسی (بیانی) مفهوم بیانی یا جنسی را بیان می‌کنند؛ در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیلهٔ ترکیبات همسان صفت و موصوف و گاهی هم در حالت صرفی اضافی (родительный падеж) با حرف اضافه из بیان می‌شوند.

۹) در زبان فارسی نقش نمای اضافه کسره در ترکیبات اضافی تشبیهی، استعاری و اقترانی مفهوم همانندی را بیان می‌کنند. در زبان روسی اینگونه ترکیبات عمدتاً بوسیله حالت صرفی اضافی (родительный падеж) بدون حرف اضافه، و ترکیبات و یا عبارات مقایسه‌ای (сравнительные обороты) بیان می‌شوند.

منابع

- انوری حسن، انوری گیوی. *دستور زبان فارسی ۲*، تهران. ۱۳۷۷.
- حداد عادل، غلامعلی. *درآمدی بر واژه‌گزینی مردمی*. ۱۳۸۲.
- سلطانی، علی و دیگران. *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۴.
- شریعت، محمد جواد. *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر. ۱۳۶۷.
- شفائی، احمد. *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: موسسه انتشارات نوین. ۱۳۶۳.
- ناقل خانلری، پرویز. *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات توس. ۱۳۸۴.
- یاسمی، رشید. بهار، ملک الشعرا. فروزانفر، بدیع‌الزمان. قریب، عبدالعظیم. همایی، جلال‌الدین (پنج استاد). *دستور زبان*. تهران: نشر فردوس. ۱۳۷۳.
- Валгина Н.С. *Синтаксис русского языка*. Москва, 1991.
- Диброва Е.И., *Современный русский язык*, -М.: АСADEMIА, 2001.
- Золотова Г.А., *Синтаксический словарь*, -М.: Наука, 1988 .
- <http://rusgram.narod.ru/1437-1454.html>